

جلو‌های شکلی حسابگری کیفی در پیشگیری از جرایم اقتصادی

حسین ناظریان^۱

مهدی غلام‌پور^۲

چکیده

پیشگیری از جرایم اقتصادی به دلیل شیوع گسترده‌ی آن و آثار مخربی که بر اقتصاد جامعه وارد می‌سازد ضرورت دارد و کشورها با سیاست‌های تقنینی و عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی در صدد کاهش این نوع جرم‌ها هستند. پیشگیری از چنین جرایمی مستلزم سیاست جنایی مناسب و همکاری تمام نهادهای مرتبط است. نظریه‌های مختلفی در راه پیشگیری از جرایم در طول تاریخ حقوق کیفری ارائه شده است و هر یک راهکارهایی را برای مقابله با جرم مطرح کرده‌اند. نظریه حسابگری کیفی نیز همچون سایر نظریه‌ها چنین دغدغه‌ای داشته و راهکارهایی را برای پیشگیری از جرم ارائه داده است. طبق این دیدگاه، بزهار موجودی منفعت طلب و حسابگر است و برای ارتکاب جرم هزینه‌ها و منافع خویش را سنجیده و با ارزیابی آن‌ها مرتکب عملی می‌شود. بنیانگذاران حسابگری معتقدند، با توجه به این که بزهار حسابگر است، بنابراین نتیجه رفتار خویش را می‌داند. در نتیجه، جامعه بایست طبق اصول شدت، حتمیت و سرعت، حداکثر واکنش را در مقابل او انجام دهد. یکی از مواضع اعمال این دیدگاه در دادرسی‌های کیفی است. در این تحقیق سعی شده تا دادرسی کیفی ایران بر اساس این دیدگاه مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حسابگری کیفی، دادرسی کیفی، فایده‌گرایی، جرم اقتصادی، سرعت در رسیدگی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). Hosseinnazerian@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس قم دانشگاه تهران.

مقدمه

بسیاری از نظریه‌های مطرح شده در خصوص بزهکاری، به رفتار مجرمانه به عنوان عملی عمدی و حساب شده اهمیت چندانی نداده و بیش تر رفتار مجرمانه را به عنوان واکنش به محیط پیرامون می‌نگرند تا به عنوان یک کنش عمدی. اما نظریه «حسابگری کیفری» بیانگر آن است که اکثر نتایج مجرمانه، ناشی از انتخابی است که توسط بزهکار انجام شده است، کسی که درصدد یک منفعت اقتصادی، جنسی یا دیگر منافع می‌باشد. در این نظریه؛ سبب اولیه جرم، جذب منفعت است، نه آن چه در اکثر نظریه‌های جرم شناسی وضع نامساعد روانی یا اجتماعی تلقی می‌شود (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۲۷).

برخی از متفکرین، مرتکب جرم را یک موجود عاقل، منطقی و حسابگر فرض کرده‌اند که با انتخاب خود راه ناصواب را پیموده و لذا خواه ناخواه مستوجب کیفری معادل عمل خویش هستند. مثلاً از دیدگاه بنتام، بزهکار موجودی حسابگر است که برای ارتکاب جرم، نفع و ضرر خویش را می‌سنجد و زمانی که سود ارتکاب جرم بیش تر باشد مرتکب آن می‌شود. علت نام گذاری این امر به «حسابگری کیفری» همین نکته است؛ یعنی نشان دادن این که بزهکار بیکار ننشسته و تمام عملکرد قانون گذار و مسؤولان قضایی، نظریات مردم و... را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در دیدگاه حسابگری کیفری صحبت از سود و زیان، هزینه و فایده برای ارتکاب یک رفتار مجرمانه و همچنین پاسخ نسبت به این رفتار مجرمانه می‌باشد. از یک سو مرتکب جرم با ارزیابی سود و زیان خویش مرتکب رفتاری می‌شود و از سوی دیگر نظام کیفری نیز با حساب سود و زیان و هزینه و فایده خویش، ضمانت اجرایی را که با کم‌ترین هزینه، بیش‌ترین سود را به همراه داشته باشد تعیین می‌نماید. حسابگری کیفری که نام دیگر آن اصالت سودمندی است یکی از مکاتب کیفری است که هنوز هم طرفدارانی دارد. ریشه اخلاقی مبتنی بر سودگرایی به آریستوییوس می‌رسد (جلیلی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۱۰). اما صاحبان اصلی آن جرمی بنتام و جان استوارت میل هستند. اصالت فایده یا نفع، صورت منسجم و تکامل یافته اصالت لذت است. این نظریه، اعمال مجرمانه را به عنوان نتیجه محاسبه‌ای در نظر می‌گیرد که هزینه‌ها، منافع و خطرات مرتبط با آن اعمال را در نظر می‌گیرند. بنابراین، نظریه حسابگری کیفری بیانگر آن است که بزهکاران، تصمیم‌های حساب شده‌ای برای ارتکاب جرم در وضعیت‌های خاص می‌گیرند و در این زمینه به معیارهایی چون هزینه، خطر و فایده عمل توجه می‌کنند. لذا لازم است که در اتخاذ تدابیر کیفری، تمام جوانبی که عقل انسان در تصمیم‌گیری راجع به ارتکاب جرم به آن‌ها می‌پردازد، لحاظ شود. طبق اصل حسابگری کیفری، افراد را فایده جویی هدایت می‌کند و ارتکاب جرم نیز به خاطر سود احتمالی است که بزهکار آرزومند آن است. اما بزهکار با توجه به مجازات جرمی که قصد ارتکاب آن را دارد به بررسی نفع و ضرر می‌پردازد و اگر کیفر

به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد، ممکن است از ارتکاب آن خودداری کند. بدین سبب، بنام معتقد است که باید در تعیین مجازات دقت کافی به عمل آید و به علاوه، کیفر باید متناسب با وسعت خسارتی باشد که بر جامعه وارد شده است و نیز موجب هراس افراد شود و آن‌ها را از انجام جرم یا تکرار آن بازدارد. به عبارت دیگر، مجازات باید از نظر میزان، قطعی و از نظر اجرا، حتمی و از نظر سرعت، بسیار کوتاه باشد.

این نظریه، اعمال مجرمانه را به عنوان نتیجه محاسبه‌ای در نظر می‌گیرد که هزینه‌ها، منافع و خطرات مرتبط با آن اعمال را در نظر می‌گیرند. بنابراین، نظریه حسابگری کیفی بیانگر آن است که بزهکاران، تصمیم‌های حساب شده‌ای برای ارتکاب جرم در وضعیت‌های خاص می‌گیرند و در این زمینه به معیارهایی چون هزینه، خطر و فایده عمل توجه می‌کنند. لذا لازم است که در اتخاذ تدابیر کیفی، تمامی جوانبی که عقل انسان در تصمیم‌گیری راجع به ارتکاب جرم به آن‌ها می‌پردازد، لحاظ شود.

به این دلیل، این نظریه در مورد جرایم اقتصادی قابل بحث است که مرتکبان جرایم مورد بحث، به لحاظ این که در حرفه و فعالیت اقتصادی خود متخصص و متبحر بوده، اصولاً به طرق ارتکاب این جرایم با توجه به دارا بودن اطلاعات کافی در قلمرو فعالیت خود آگاهی داشته و طرق ارتکاب، سختی‌ها، ریسک و منافع حاصل از ارتکاب جرایم مورد بحث را سنجیده و سپس ارتکاب آن‌ها را انتخاب می‌کنند. لذا می‌بایست معادله جرم را با در نظر گرفتن یک سیاست کیفی مناسب و شاید متمایز از سیاست کیفی که در قلمرو سایر جرایم اعمال می‌شود بر هم زد. برای آن که بتوان شیوه‌های مناسبی را در برخورد با جرایم اقتصادی در پیش گرفت لازم است تعریفی از آن ارائه گردد.

در پیشگیری از جرایم اقتصادی در پرتو حسابگری کیفی، بر سه اصل شدت، حتمیت و سرعت در برخورد با بزهکاری اقتصادی و ارتکاب آن تأکید می‌شود. به طوری که اصل شدت، بر عدم مسامحه و تخفیف نسبت به بزهکار اقتصادی اشاره داشته و اطلاع می‌دهد که برای ارباب بزهکاران بالقوه و جلوگیری از تکرار جرم باید ضمانت‌اجراهای شدیدی را اعمال داشت. اصل حتمیت بر قطعی بودن اعمال رسیدگی‌ها و ضمانت‌اجراها و اصل سرعت نیز بر کوتاه‌ترین زمان و ابزار برای اعمال ضمانت‌اجراها تأکید دارد. یکی از ابزارهای لازم جهت اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در واکنش علیه جرایم اقتصادی، وجود دادرسی خاص و دادگاه‌های تخصصی می‌باشد. «آیین دادرسی کیفی مجموعه قواعد و مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهمان و تحقیق از آنان، تعیین مراجع صلاحیت دار، طرق شکایت از احکام و نیز بیان تکالیف مسئولان قضایی و انتظامی در طول رسیدگی به دعوی کیفی و اجرای احکام از یک‌سو و حقوق و آزادی‌های متهم از سوی دیگر، وضع و تدوین شده است.» (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

۱۲) در این بخش می‌خواهیم در ابتدا به طور اختصار صلاحیت و تشریفات رسیدگی در قلمرو جرایم (مبحث اول) را مورد بررسی قرار دهیم، در ادامه بازدارندگی مقررات دادرسی در پرتو حساس‌گری کیفری (مبحث دوم) را تشریح خواهیم ساخت.

الف: صلاحیت و تشریفات رسیدگی در قلمرو جرایم اقتصادی

قبل از اینکه هر اقدامی صورت گیرد شناخت دادرسی و دادگاه صالح برای رسیدگی به جرمی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد زیرا عدم رعایت آن موجب عدم اعتبار رأی مورد نظری است که در مرجع غیر صالح صادر شده است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۶: ۱۲۸). پس از مشخص شدن این امر فرآیند رسیدگی به آن جرم آغاز می‌گردد. فرآیند رسیدگی کیفری با کشف جرم آغاز و با تعقیب متهمین ادامه یافته و پس از صدور قرارهای مختلف و یا کیفرخواست مرحله تحقیقات مقدماتی را طی می‌کند. در ادامه در صورت صدور کیفرخواست شاهد مرحله دادرسی بوده و مرحله آخر اجرای حکم است. در گفتار اول به اختصار مراجع صالح رسیدگی کننده و در گفتار دوم برخی از تشریفات مربوط به جرایم اقتصادی را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. مراجع صالح رسیدگی کننده به جرایم اقتصادی

در نظام عدالت کیفری ایران، مراجع زیادی به جرایم اقتصادی رسیدگی می‌کنند و این امر نشانگر فقدان هدف یکسان و فضای واحد بر دادرسی این جرایم است (توسلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۱). با توجه به قوانین و مقررات فعلی در نظام حقوقی ایران، برای رسیدگی به جرایم اقتصادی دو نوع مرجع وجود دارد: مراجع قضائی و مراجع غیرقضائی که در ذیل به بررسی این مراجع خواهیم پرداخت.

۱-۱. مراجع قضائی

مراجع قضائی، مراجعی هستند که به صورت مستقیم زیر نظر قوه قضائیه بوده و به پرونده‌های مرجوعه رسیدگی می‌کنند. در ذیل برخی از این مراجع را بررسی می‌نماییم.

۱-۱-۱. دادگاه انقلاب

هدف اولیه تشکیل این دادگاه حذف تشریفات دادرسی، سرعت در رسیدگی و برخورد شدید با بزه‌کاران بوده است (مهدوی پور، ۱۳۸۹: ۲۷۳). از این رو، رویکرد این دادگاه مبتنی بر سیاست کیفری شدید از طریق توسل به ابزارهای کیفری و واکنش‌های قهرآمیز است (یزدی نظری‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۳۸۸-۱۸۷). با دقت در حدود صلاحیت دادگاه انقلاب در حال حاضر باید بگوییم که، جرایمی که ماهیتاً با اساس نظام اسلامی و امنیت در ارتباط است و برخورد ضعیف با آن، بنیان کشور و نظام را تهدید می‌کند، از سوی قانون‌گذار به عهده دادگاه انقلاب سپرده شده است (قرشی، ۱۳۸۶: ۵). (برای دیدن صلاحیت قانونی دادگاه انقلاب رجوع کنید به: ماده ۵ قانون

تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳) برخی از قوانین و مقرراتی که صلاحیت دادگاه انقلاب را برای جرایم اقتصادی مشخص ساخته بدین شرح می‌باشد:

الف) ماده واحده قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گران فروشی و قاچاق مصوب ۱۳۸۶: این ماده واحده مقرر می‌دارد که: «دادگاه‌های مربوط به اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی موظف هستند مطابق قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ثروت‌های محتکرین، گران فروشان، قاچاق چیان را مورد بررسی دقیق قرار داده و نسبت به ضبط و ثبت و اخذ ثروت‌هایی که برخلاف ضوابط دولت جمهوری اسلامی ایران در اثر احتکار و گران فروشی و قاچاق کسب گردیده به عنوان مجازات، به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند.» بر اساس تبصره ۲ این ماده واحده در مورد قانون فوق، روش ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا خواهد شد. بدین ترتیب موارد مذکور در این قانون در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب می‌باشد.

ب) تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ که بیان می‌دارد: «رسیدگی به کلیه جرایم مذکور در این قانون در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی است و دادگاه‌های مذکور در مورد جرایم موضوع ماده ۱ این قانون مکلف هستند فوراً و خارج از نوبت رسیدگی نمایند.»

ج) تبصره ماده ۴۸ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام: در این تبصره آمده است: «در صورتی که تشکیل شبکه به قصد اخلاص در نظام اقتصادی صورت گرفته باشد علاوه بر محکومیت، تعزیرات فوق توسط مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی، موضوع توسط دادگاه انقلاب پیگیری می‌شود.»

با بررسی در قوانین و مقررات مربوط می‌توان چنین نتیجه گرفت که قانون‌گذار معیارهایی همچون «اقدام علیه استقلال اقتصادی»، «اخلاص به نظام اقتصادی» را برای جرایم اقتصادی در نظر گرفته است. با این وجود، یک نوع ابهام و سرگردانی در قبال جرایم اقتصادی وجود دارد (خالقی، ۱۳۸۷: ۳۲۶). به گونه‌ای که تعیین حدود و ثغور خاصی از سوی قانون‌گذار برای رسیدگی به جرایم اقتصادی ارایه نشده است که موجب اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های انقلاب و سایر دادگاه‌ها شده باشد.

۱-۲-۱. مجتمع قضایی ویژه جرایم اقتصادی

مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی بر مبنای ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ که به رئیس قوه قضاییه اختیار اختصاص قضات

۱. «... تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه است.»

دادگاه‌های عمومی را به رسیدگی به دعاوی مختلف بر اساس نوع دعاوی و تجربه و تبحر آنان داده است، رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۰ در راستای مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی مبادرت به صدور دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی نمود. برابر ماده ۱ این دستورالعمل به منظور اجرایی کردن فرمان مقام معظم رهبری و حمایت از سرمایه گذاری سالم، پیشگیری از بروز فساد، تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای احکام در جرایم ویژه اقتصادی، مجتمع قضایی با عنوان «مجتمع قضایی امور اقتصادی» که مشتمل بر دادرس، دادگاه بدوی و دادگاه تجدید نظر می‌باشد، تشکیل می‌گردد.

در رویه عملی دادگاه‌های ایران، پرونده‌های جرایم اقتصادی که در حوزه تهران می‌باشد در مجتمع قضایی امور اقتصادی رسیدگی می‌شود و در دیگر شهرها به شعب خاصی فرستاده می‌شود. این مجتمع دارای ساختاری یکپارچه در مراحل تحقیق، تعقیب، دادرسی و... است و در نتیجه همه ی مراحل رسیدگی به پرونده‌های مربوط به جرایم اقتصادی در این مجتمع صورت می‌گیرد. این امر می‌تواند زمینه ساز اعمال نفوذ بر این مجتمع‌ها و رسیدگی‌های پنهانی بدون نظارت مناسب را فراهم آورد.

۱-۳-۱. سایر مراجع

رسیدگی به جرایم اقتصادی ممکن است در مراجع مختلفی انجام گیرد و این امر نشانگر فقدان یکپارچگی در رسیدگی به یک نوع جرم است و از طرفی با اصل رعایت حقوق متهمان در رسیدگی به مراجع مخالف است. علاوه بر دو مرجعی که ذکر شد، می‌توان دادگاه عمومی، کیفری استان و دادگاه‌های جزایی مرکز استان را نام برد که هر یک با توجه به نوع جرم یا میزان مجازات و... به جرایم اقتصادی رسیدگی می‌کنند. در مورد دادگاه عمومی باید توضیح داد که این مرجع نیز صالح به رسیدگی به برخی از مصادیق جرم اقتصادی است که در صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری استان نباشد. به عبارت دیگر، چنانچه جرایم اقتصادی مستوجب اعدام به عنوان مجازات محاربه و فساد فی الارض و در نتیجه در صلاحیت دادگاه انقلاب نباشد و در صورتی که مستوجب مجازات حبس ابد و در نتیجه در صلاحیت دادگاه کیفری استان نباشد، در دادگاه عمومی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۱. مراجع غیرقضایی

منظور از مراجع غیرقضایی رسیدگی، مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرایم دخالت دارند (خالقی، پیشین: ۳۳۱). رسیدگی غیرقضایی روشی است که قانون گذار آن را در راستای حل و فصل سریع و به دور از تشریفات آیین دادرسی کیفری و حقوقی انتخاب کرده و دارای استقلال می‌باشد. رسیدگی غیرقضایی به دو اعتبار محقق می‌گردند: به اعتبار مقام و به اعتبار نهاد.

۱-۲-۱. رسیدگی به اعتبار مقام

منظور از رسیدگی به اعتبار مقام، محوریت رسیدگی کننده در پرونده است، به گونه ای که مکان و تشریفات حضور متهم در مکان خاص لازم نیست. هر چند رسیدگی به اعتبار مقام سبب تسریع در امر رسیدگی و نیز موجب قطعیت ضمانت اجرا می شود، ولی هر گاه همراه با آموزش کامل رسیدگی کننده نباشد، لطمه‌های جبران ناپذیری به عدالت کیفری وارد می‌سازد و از این رو، واگذاری رسیدگی به اشخاص غیر قضایی آن هم بدون طرح در نهاد خاص، یک امر استثنائی و خلاف قاعده است (مهدوی پور، پیشین: ۲۸۳-۲۸۲).

ماده ۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ مقرر می‌دارد که، هر گاه مال موضوع عایدات دولت و یا اشیاء ممنوع الورود یا ممنوع الصدور توسط مکاری یا اتومبیل و یا سایر وسایط نقلیه یا به وسایل دیگری نقل شود و حامل نتواند ارسال کننده یا کسی را که محموله‌ها باید به او تسلیم شود تعیین و اثبات کند علاوه بر ضبط مال باید شخصاً از عهده جزای نقدی مقرر در ماده اول برآید.^۱

۱-۲-۲. رسیدگی به اعتبار نهاد

این نوع رسیدگی برخلاف رسیدگی قضایی، در مؤسسه یا نهاد خاصی متمرکز نیست، بلکه در ذیل نهادهای مختلف قرار می‌گیرد. نهاد رسیدگی کننده معمولاً در قالب هیأت یا کمیسیون می‌باشد. در ذیل به دو نمونه از این مراجع اشاره خواهیم کرد:

الف) هیأت‌های رسیدگی کننده به جرایم اقتصادی

بر اساس ماده ۷۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲، خریداران و مصرف کنندگان می‌توانند شکایت خود را در مورد تخلفات موضوع این قانون به اتحادیه‌های مربوطه و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده ۵۲ این قانون تسلیم، ارسال یا اعلام دارند. بازرسان و ناظران موضوع این قانون گزارش تخلفات موضوع این قانون و شکایت دریافتی را حداکثر ظرف ۱۰ روز به هیأت رسیدگی بدوی و یا اتحادیه‌های ذیربط، تسلیم دارند. اتحادیه‌ها موظف هستند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهند و در صورت احراز عدم تخلف فرد صنفی، یا انصراف شاکی، با اعلام مراتب، پرونده را مختومه نمایند، در غیر این صورت و یا اعتراض شاکی، بازرسان یا ناظر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ اعلام مختومه شدن، پرونده برای بررسی به هیأت رسیدگی بدوی ارسال خواهد گردید.

۱. بر اساس ماده ۶ این قانون، مأموران وصول عایدات دولت می‌توانند با تصویب رئیس ایالتی یا ولایتی به کسی که مرتکب قاچاق شده ارفاق نموده و از او قبول کنند که جریمه و عین مال موضوع قاچاق یا در صورت نبودن عین مال، قیمت آن را پرداخته و از تعقیب جزایی معاف شود مشروط بر اینکه، اولاً، این ارفاق بیش از یک مرتبه نسبت به یک نفر به عمل نیاید. ثانیاً، مرتکب قاچاق، سابقه محکومیت به علت قاچاق نداشته باشد. این امر بیانگر این است که ضبط مال و دریافت جزای نقدی توسط مرجع غیرقضائی صورت می‌گیرد.

بدین ترتیب، رسیدگی به جرایم صنفی در دادگاه‌ها انجام نمی‌گیرد و تکلیف قانونی دادگستری به همکاری به معنای محول شدن اجرای احکام هیأت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی به واحدهای اجرای احکام حقوقی دادگستری یا اجرای احکام کیفری از طریق دادسرا نیست (نظریه شماره ۷/۱۹۵۸-۱۳۸۴/۳/۲۵ اداره ی حقوقی قوه قضائیه).

ب) سازمان تعزیرات حکومتی

سازمان تعزیرات حکومتی یک مرجع اختصاصی دولتی برای رسیدگی و صدور حکم در مورد برخی جرایم اقتصادی در حوزه تولید و توزیع کالاها و خدمات در کشور است (خالقی، پیشین: ۳۴۲). قلمرو صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی گسترده می‌باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (تولیت، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۹).

۱) رسیدگی به جرم اختلاس در بعضی موارد در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است. با بررسی مفاد بند ب ماده ۱۸ قانون تعزیرات حکومتی، هرگاه یکی از کارمندان یا کارکنان وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و تحت پوشش دولت و نهادهای انقلاب اسلامی با ارتکاب یک یا چند تخلف از تخلفات موضوع فصل اول قانون تعزیرات حکومتی، مرتکب اختلاس شود، مرجع صالح برای رسیدگی به جرم اختلاس سازمان تعزیرات حکومتی است.

۲) مطابق مصوبه ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار مورخ ۱۳۷۶/۹/۲، «سازمان تعزیرات حکومتی به تخلف موضوع قانون منع خرید و فروش کوپن‌های کالاها اساسی در حد عرضه و توزیع کالای موضوع ماده‌های ۵ و ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی رسیدگی می‌نماید».

۳) ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، رسیدگی و صدور حکم در مورد تخلفات مربوط به کالاهایی که با ارز شناور یا ارز صادراتی وارد یا تولید می‌شوند را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داده است (مصوبه شماره ۶۳۱۰ مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۳). سازمان تعزیرات حکومتی از جمله سازمان‌هایی است که به موجب ضرورت و نیاز جامعه در برخورد با تخلفات اقتصادی با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأیید مقام رهبری در سال ۱۳۷۳ تأسیس و تاکنون اقدامات زیادی را در امر مبارزه با تخلفات اقتصادی انجام داده است (باقرزاده، ۱۳۸۰: ۹).

۳. تشریفات رسیدگی به جرایم اقتصادی

بعد از تعیین صلاحیت برای مرجع قضایی، به ترتیب نوبت به مراحل تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای حکم می‌رسد. از آنجایی که در بررسی به جلوه‌های شکلی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرایم اقتصادی می‌خواهیم دریابیم که این سیاست تا چه حد به رویکرد حسابگری کیفری نزدیک است، در ذیل به طور اختصار به تشریفات رسیدگی می‌پردازیم، با عنایت به این نکته که دریافتن این امر بدون توجه به روند تشریفات جرایم اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد. زیرا

در بررسی به روند تشریفات جرایم اقتصادی در پی ویژگی‌هایی هستیم که با رویکرد حسابداری کیفری نزدیک یا منطبق باشد، بنابراین توجه به این تشریفات از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳-۱. تحقیقات مقدماتی در قلمرو جرایم اقتصادی

یکی از مراحل مهم در فرآیند کیفری، تحقیقات مقدماتی می‌باشد، زیرا از یک سو، از نظر زمانی، معمولاً مدت زیادی از تاریخ وقوع جرم نگذشته و جمع‌آوری دلایل و آثار جرم بهتر انجام می‌گیرد و از سوی دیگر، در این مرحله است که دلایل و اسنادی له یا علیه متهم جمع‌آوری شده و منجر به قرار منع یا موقوفی، یا کیفرخواست می‌گردد. تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات، تدابیر و تصمیماتی است که برای کشف جرم، جمع‌آوری دلایل، شناسایی مرتکب، جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و اظهار نظر درباره بزهدار بودن و یا نبودن متهم، از طرف مقامات خاص قضایی انجام می‌گیرد (آخوندی، ج ۵، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۳). این بند در دو قسمت، جهات قانونی شروع به تعقیب و شیوه‌های خاص تحقیقاتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱. جهات قانونی شروع به تعقیب جرایم اقتصادی

دادسرا در راستای انجام وظیفه اصلی خود، به هر طریقی که از وقوع جرمی مطلع شد، باید تعقیب کیفری را به جریان اندازد تا با جمع‌آوری دلایل و آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم، چنانچه اصل تحقق جرم و انتساب آن به متهم محرز باشد، با صدور کیفرخواست، محاکمه و مجازات او را از دادگاه خواستار شود. مهم‌ترین طرق اطلاع دادسرا از وقوع جرم، که در قانون آیین دادرسی کیفری از آن‌ها با عنوان «جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی» یاد کرده در ماده ۶۵ قانون مذکور آمده است.^۱ حال، به بررسی این موارد در قلمرو جرایم اقتصادی می‌پردازیم:

الف) شکایت شاکی

ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ مقرر می‌دارد: «سازمان مکلف است مستندات و مدارک مربوط به جرایم موضوع این قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذصلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به عنوان شاکی پیگیری نماید. چنانچه در اثر جرایم مذکور ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد، زیان دیده می‌تواند برای جبران آن به مراجع قانونی مراجعه نموده و طبق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید.» این ماده تصریح دارد که سازمان مکلف است مستندات جرایم را به مراجع قضایی «اعلام» و حسب مورد موضوع شکایت را به عنوان «شاکی» تعقیب کند. در این جا، سازمان علاوه بر «اعلام کننده اجباری» جرایم حوزه بازار اوراق بهادار، به نوعی به نیابت از فعالان بازار اوراق بهادار «شاکی» به شمار می‌رود (میرزایی

۱. ماده ۶۵ ق.آ.د.ک: «جهات قانونی برای شروع به تحقیقات به قرار زیر است: الف- شکایت شاکی؛ ب- اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود؛ ج- جرائم مشهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد؛ د- اظهار و اقرار متهم.»

مفرد، ۱۳۸۹: ۲۸۹). قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ نیز در ماده ۴۸ مقرر می‌دارد، سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف کننده می‌توانند به عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند.

ب) گزارش ضابطین

کارکنان سازمان‌های مسئول مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان ضابطین واقعی اقتصاد انجام وظیفه می‌کنند. پرسنل گمرک در بعضی از کشورها مانند نیروهای نظامی دارای درجه و رتبه اند و بر اساس قانون از اختیارات وسیعی برای بازرسی برخوردار هستند و دیگر سازمان‌ها مکلف به همکاری با آن‌ها هستند. در حال حاضر، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مسئول مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سطح کشور است و گمرک عهده دار مبارزه با قاچاق اقلامی است که از طریق گمرک‌ها به کشور وارد یا از کشور خارج می‌شوند (گمرک جمهوری اسلامی ایران، «تأملی بر قاچاق کالا و مواد مخدر»، گزارش شماره ۱۴۹: ۱۵).

ج) کسب اقرار متهم

شاید معتبرترین و قطعی‌ترین وسیله برای پی بردن به وقوع جرم، اقرار مرتکب جرم باشد؛ زیرا اصولاً هیچ کس با آگاهی از عواقب محاکمه و محکومیت کیفری، با اقرار غیر واقع، خود را در معرض مجازات قرار نمی‌دهد (خالقی، پیشین: ۴۵). البته در جرایم اقتصادی، گاهی به منظور منحرف ساختن مسیر تحقیقات، بخصوص در جرایم سازمان یافته، برخی اقرارهای خلاف واقع صورت می‌گیرد که باید با دقت و احتیاط به آن‌ها توجه کرد.

د) اعلام جرم

قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور در تبصره ۲ ماده ۲ تصریح می‌دارد، در مواردی که اقدامات مذکور در ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آن‌ها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات با علم یا از روی قصد مباشرت یا شرکت و یا به گونه ای دخالت داشته اند بر حسب اینکه اقدام آن‌ها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرس و بازرسان و به طور کلی، مسئول یا مسئولان ذیربط که به گونه ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلف هستند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقام‌هایی که قادر به جلوگیری از این اقدام‌ها هستند اقدام فوری و مؤثری را انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند.

۱-۳-۲. شیوه‌های خاص تحقیقاتی در زمینه جرایم اقتصادی

با توجه به پیچیدگی جرایم اقتصادی و اینکه افراد بزهکار برای پیشبرد اهداف مجرمانه خود

از فن آوری‌های پیشرفته استفاده می‌کنند، غالباً شیوه‌های سنتی گردآوری دلایل و مدارک جرم، کافی نمی‌باشد. برای اینکه انجام تحقیقات مورد سوء استفاده واقع نشود، در نظام حقوقی بیش تر کشورهایی که چنین تحقیقاتی پذیرفته شده است، انجام آن تابع تشریفات خاصی است (Enrique, 2001:131). با توجه به اینکه «جرایم اقتصادی در بستر زندگی اقتصادی روزمره و نه با توسل به خشونت و زور بازو و نیروی جسمانی بلکه همراه با تقلب و سوء استفاده از هوش، استعداد و تدبیر یا فن آوری‌های مدرن ارتکاب می‌یابند و ارتکاب آن‌ها مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی، تجاری یا مالی است. بدین ترتیب، جرم اقتصادی به کمک یا در پناه ساختارها و ابزارهای اقتصادی مشروع بدون توسل به خشونت یا تهدید ارتکاب می‌یابد» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۴). بنابراین، میزان رؤیت آن‌ها نسبت به دیگر جرایم کم‌تر است؛ در نتیجه، شیوه‌های تحقیقات در جرایم اقتصادی تا حدود زیادی متفاوت از سایر جرایم است که در ذیل به دو نمونه از شیوه‌های تحقیقات در جرایم اقتصادی می‌پردازیم:

الف) نظارت الکترونیکی

«نظارت الکترونیکی شامل گردآوری اطلاعات از طریق ابزارهای الکترونیکی است؛ فونونی مانند استراق سمع، نظارت بر ارتباطات الکترونیکی و تفتیش و توقیف، در بسیاری از کشورها به دلیل رعایت تضمین‌های حقوق بشری، در مراحل اولیه شناسایی کاربرد محدودی دارند و معمولاً منع می‌شوند؛ مگر اینکه ادله محکم وجود داشته باشد که جرمی ارتکاب یافته یا در شرف وقوع است. نظارت الکترونیکی، غالباً در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نمی‌توان به وسیله یک فرد خارجی به یک گروه منسجم نفوذ کرد یا نفوذ یا مراقبت فیزیکی، خطر غیرقابل قبولی را برای تحقیقات یا ایمنی تحقیق کنندگان به دنبال داشته باشد. نظارت الکترونیکی عموماً مشمول نظارت قضائی شدید و تضمینات قانونی متعددی است تا مورد سوء استفاده قرار نگیرد. اگر نظارت از منظر موازین حقوق بشری، ملاحظات فنی و هزینه‌ای قابل اجرا باشد، عامل بازدارنده قدرتمندی محسوب می‌شود، زیرا افراد همواره این احتمال را می‌دهند که مکالماتشان در معرض ضبط شدن قرار دارند و اگر مبادلات فاسد انجام شود، به عنوان دلیل استناد خواهند شد.» (مهدوی پور، پیشین: ۲۴۴).

ب) دام گستری

برای مقابله با ناکارآمدی روش‌های سنتی کشف جرم، مأموران اجرای قانون به روش‌های تحقیقی روی آورده‌اند که در آن‌ها گزارش و شهادت در مورد جرم، توسط خودشان صورت می‌گیرد؛ روشی که در آن پیشگیری و تحقیق در مورد جرم، هم زمان صورت می‌گیرد. این همان عرصه اجرای فعالانه قانون است که به طور فزاینده‌ای برای انواع مختلف جرایم به کار می‌رود (Dworkin, 2000: 409). اگر ضرورت تحقیقات ایجاب نماید می‌توان

عملیات تفتیش را از طریق نفوذ در گروه‌های بزهکار انجام داد. این عملیات عبارت از آن است که افسر پلیس با مسئولیت افسر به شرط آموزش‌های لازم و اخذ گواهی صلاحیت، نزد افراد بزهکار رفته و با جلب اعتماد آن‌ها خود را معاون یا شریک جرم یا دریافت کننده اموال مجرمانه وانمود سازد؛ با این هدف که به اطلاعات مورد نیاز برای تحقیقات اولیه یا تحقیقات مقدماتی دسترسی حاصل شود.

از دیگر شیوه‌های خاص تحقیقات در قلمرو جرایم اقتصادی می‌توان به استفاده از فنون حسابداری جنایی^۱، بکارگیری مخبران و سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند اشاره نمود که با استفاده از آن‌ها زمینه‌ی کشف بسیاری از جرایم اقتصادی فراهم شده است و مشکلات و نواقص روش‌های سنتی را ندارد.

۴-۱. مرحله دادرسی و اجرا در قلمرو جرایم اقتصادی

در این بند به مراحل دادرسی (به معنای خاص) و اجرای حکم در قلمرو جرایم اقتصادی در سیاست کیفری ایران می‌پردازیم، به منظور اینکه از بحث دور نشویم به اختصار به این مراحل خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱. دادرسی

در این قسمت سیاست کیفری ایران را در عدم افشاء هویت شاهد و مرحله تجدید نظر بررسی می‌کنیم:

الف) عدم افشاء هویت شاهد: در این روش به شاهد اجازه داده می‌شود بدون اعلام نام، آدرس و سایر مشخصات هویتی، شهادت دهد تا مانعی در شناسایی هویت او باشد. این روش بیش تر در مورد جرایم سازمان یافته صورت می‌گیرد؛ زیرا در این نوع جرایم، هر چند ممکن است شخصی را که علیه او شهادت داده شده حبس شود اما چون این جرایم به صورت بانندی هستند ممکن است، جان شهادت دهنده توسط سایر اعضای باند مورد تهدید قرار گیرد. با استفاده از چنین تدابیری، بسیاری از افراد که در شرایط عادی، حاضر به ادای شهادت نیستند، حاضر به بیان اطلاعات و ارائه اسناد و ادله می‌شوند.

ب) تجدید نظر: هر چند تجدید نظر خواهی به عنوان یک حق اساسی در دستگاه قضایی به شمار می‌رود، در حقوق داخلی در برخی موارد، تجدید نظر خواهی جرایم اقتصادی؛ تابع عموماً آیین دادرسی کیفری نیست. روشن نبودن قابلیت تجدید نظر خواهی در برخی مصادیق جرم اقتصادی، آشفتگی قضایی را به دنبال داشته است. طبق تبصره ماده ۴ قانون نحوه اعمال

۱. در این روش، شناسایی جرایم اقتصادی با استفاده از فنون حسابداری جنایی و یا به کمک آن انجام می‌گیرد، بدین ترتیب که سوابق مالی افراد، ارزیابی شده و با بررسی میزان پرداخت‌ها و مصارف، ممکن است وجود فساد یا دیگر جرایم اقتصادی نشان داده شود.

تغزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴، رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدید نظر نمی‌باشد.

۲-۴-۱. اجرای حکم

اجرای حکم آخرین مرحله دادرسی کیفری است و هدف از رسیدگی‌های کیفری این است که در صورت احراز وقوع جرم و صحت انتساب آن و محقق بودن مسئولیت کیفری متهم، ضمانت اجراهای مقرر به موقع اجرا گذاشته شود؛ تا در جامعه هیچ بز هکاری کیفر ندیده و اصلاح نشده باقی نماند (آخوندی، ج ۳، ۱۳۸۴: ۱۳). در این مرحله به منظور مبارزه با جرایم اقتصادی تدابیری اندیشیده شده است که به دو مورد خواهیم پرداخت:

الف) ضبط و مصادره بدون تأخیر: با توجه به اینکه در جرایم کلان اقتصادی و نیز سازمان یافته، منافع و عواید حاصل از جرم به کشورهای دیگر منتقل می‌گردد، تدوین کنندگان کنوانسیون مریدا در مواد ۵۴ و ۵۵ به این امر توجه کرده و مقرراتی را وضع کردند. از جمله اینکه از کشورهای عضو می‌خواهد به مراجع خود اجازه دهند تا حکم مصادره صادر شده توسط دادگاه کشور عضو دیگر را به اجرا درآورند.

ب) انتقال محکومین: مطابق ماده ۴۵ کنوانسیون مریدا، کشورهای عضو می‌توانند انعقاد تریبیتال یا موافقت نامه‌های دو یا چند جانبه انتقال محکومین به حبس یا سایر اشکال سلب آزادی به علت جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون به سرزمین خود را مدنظر قرار دهند تا آن‌ها محکومیت خود را در آنجا به اتمام برسانند. این امر در ایجاد ارباب دیگران و بازداشتن آن‌ها از تمایل به ارتکاب و اصلاح مرتکب اهمیت دارد.

پ) بازدارندگی مقررات دادرسی در پرتو حسابداری کیفری

همان طوری که قبلاً بیان شد، در تئوری حسابداری کیفری به منظور حسابداری مناسب بز هکار و در نتیجه پیشگیری از ارتکاب جرم، به یک سری از اصول تأکید می‌شود، مانند اصل سرعت، حتمیت و قطعیت در رسیدگی. این اصول در کنار شدت مجازات و سختگیری مقامات مسئول، از اصول اساسی در این تئوری محسوب می‌گردند که بررسی این موارد (به ویژه دو اصل نخست) برای پی بردن به رویکرد قانونگذار چه آگاهانه و چه غیر آن - به این تئوری از اهمیت برخوردار است. در کنار این اصول، مواردی را نیز می‌توان نام برد که می‌توانند بازگو کننده این تئوری باشند، مانند بازداشت موقت و... بنابراین در گفتار اول به بحث در زمینه اصول شناخته شده در تئوری ذکر شده و در گفتار دوم سایر جلوه‌ها (مبتنی بر اصل شدت) را مورد اشاره و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. اصول حسابداری کیفری در قوانین شکلی ایران

در این گفتار سعی داریم اصولی را که حسابداری کیفری بر آن واقع شده در قلمرو قوانین

شکلی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. هدف این است که تا چه حد قوانین کیفری ایران در امور شکلی با چنین نظریه ای منطبق یا نزدیک می باشد؟ دریافتن این نکته حائز اهمیت است زیرا در بخش اول و نیز در فصل قبل خاطر نشان ساختیم که تکیه بر برخی از این اصول با توجه به بضاعت قانونی ما صحیح نیست. از طرفی آنچه مهم است پیشگیری هایی است که هزینه کمتری داشته و سرکوب مدار نباشد، زیرا توجه به پیشگیری های کنشی در مقابل واکنشی می تواند نتایج بهتری را برای جامعه به وجود آورد. هر چند رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان چندین سال به طول می انجامد؛ ولی قانونگذار در برخی موارد گرایش به رسیدگی سریع دارد:

۱-۱. سرعت در رسیدگی

سرعت در رسیدگی عبارت است از اینکه با صرف مدت زمان معقول بتوان به پرونده رسیدگی کرده و از این طریق عدالت را برقرار ساخت، هر چند سرعت بخشیدن به دادرسی و رسیدگی از اهمیت بالایی برای جامعه، حکومت و اصحاب دعوا برخوردار می باشد، اما رعایت اصل تسریع در رسیدگی می بایست به گونه ای باشد که سایر اصول، از جمله اصل حق دفاع صحیح و قانونی، همچنین اجرای عدالت، مخدوش نگردد (درخشان، ۱۳۸۷: ۱۸). البته نباید دقت، رعایت حقوق طرفین، دادرسی منصفانه و سایر اصولی را که بایست در یک رسیدگی به آن توجه داشت را فدای سرعت کرد. رسیدگی سریع به پرونده های کیفری همواره از مهم ترین دغدغه های اندیشمندان و سیاستگذاران کیفری بوده است. چندان که شماری از اندیشمندان کیفری خصوصاً سزار بکار یا کارآمدی سیاست ها و اقدامات نظام عدالت کیفری را در گرو رسیدگی سریع به بزهکاری می دانستند (بکار یا، ۱۳۸۹: ۹۵). در این زمینه رئیس قوه قضائیه طی بخشنامه ای در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۰ در کنار توجه به اصل سرعت در رسیدگی، بیان داشته اند که این امر نباید مانع از رسیدگی دقیق در پرونده ها گردد. هدف از یک دادرسی رسیدن به عدالت است که اصل سرعت یکی از ابزارهای رسیدن به آن می باشد. در قوانین و مقررات کیفری ما در قلمرو شکلی - اموری به چشم می خورد که نشانگر سرعت در رسیدگی است:

۱-۱-۱ دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب از جمله مراجعی است که با هدف شدت عمل و واکنش سختگیرانه نسبت به بزهکاران تحت صلاحیت آن به وجود آمد. یکی از مهم ترین ویژگی های آن، سرعت در رسیدگی به منظور واکنش مناسب در برابر جرم و جلوگیری از تخریب دیگران است (جوانمرد، ۲۵۶: ۱۳۸). سرعت در رسیدگی در کنار سختگیری های آن، این مرجع را برای بزهکاران مکانی هراسناک ساخته است.

رئیس قوه قضائیه طی بخشنامه مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۷ خطاب به کلیه دادگاه های عمومی و انقلاب، بر امر سرعت در رسیدگی تأکید نمودند: «بعضاً مشاهده می شود که به علت اطلاع

دادرسی در بعضی از پرونده‌ها در اثر تجدید اوقات رسیدگی و احياناً تعیین نوبت‌های طولانی، آقایان قضات با استناد به ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و پرونده امر را بایگانی می‌نمایند. نظر به این که این امر نه تنها موجب فرار مجرمین از مجازات شده و بی‌اعتمادی و بدبینی مردم را از دستگاه قضائی در پی خواهد داشت، بلکه سبب تجری بزه‌کاران و خصوصاً متجاوزین به حقوق عمومی خواهد شد، لذا اقتضاء دارد قضات رسیدگی کننده سعی و دقت نمایند حتی المقدور قبل از حصول مرور زمان مقید در ماده نوشته شده نسبت به صدور رأی لازم اقدام نمایند.» در توضیح این مطلب باید خاطر نشان سازیم که تأکید به صدور رأی قبل از حصول مرور زمان و خودداری از اطاله دادرسی در دادگاه‌های مذکور، بر امر سرعت در رسیدگی‌ها توجه دارد، به طوری که عدم رعایت چنین اصلی می‌تواند زمینه بدبینی و بی‌اعتمادی مردم را نسبت دستگاه قضایی به وجود آورد. اهمیت این امر زمانی مشخص می‌گردد که دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی به برخی از جرایم اقتصادی را دارد و این بخش نامه مهر تأییدی بر سرعت در روند رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی می‌باشد.

ماده ۳۶ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ مقرر می‌دارد: «جهت رسیدگی به تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی، دادسراها و دادگاه‌های انقلاب مکلف هستند پرونده‌های تعزیرات حکومتی را در خارج از نوبت و مقدم بر سایر پرونده‌ها رسیدگی نمایند.» رسیدگی خارج از نوبت و خارج از مهلت عادی برای رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی بیانگر توجه و اهمیت این نوع پرونده‌ها از سوی قانونگذار داشته و از طرفی نشانگر سرعت در رسیدگی است.

ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳ نیز بیان می‌دارد: «مراجع قضایی^۱ مکلف هستند پس از دریافت شکایت حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به گمرک یا سایر اداره‌های ذیربط اعلام نمایند.»

۱-۲. تخصیصی شدن رسیدگی به جرایم اقتصادی

یکی از راهکارهای مهم در رسیدگی سریع تر به جرایم اقتصادی، تخصیصی کردن رسیدگی به این نوع جرایم است (عبادی، ۱۳۸۵: ۴۷). به همین دلیل است که سازمان ملل متحد در ماده ۳۶ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) کشورهای عضو را به پیش بینی و ایجاد مراجع تخصصی رسیدگی به این جرایم توصیه نموده، از آنان خواسته است که به چنین نهادهایی استقلال لازم را اعطاء کند تا بتوانند به نحو مؤثر و بدون نفوذ نامعقول، وظایف خود را انجام دهند. نظام کیفری ایران نیز به این مسأله توجه داشته و مقرراتی را در این مورد وضع نموده است:

الف. دادگاه تخصصی ناشی از قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

۱. یکی از این مراجع قضائی می‌تواند دادگاه انقلاب اسلامی باشد.

در اجرای قانون مذکور که مصوب پنجم خرداد ماه ۱۳۸۷ است مقنن، قوه قضائیه را موظف به اختصاص برخی از شعب دادگاه‌های عمومی دادگستری برای رسیدگی به جرایم ناشی از این قانون و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب اول آذر ماه ۱۳۸۴ به صورت فنی نموده است. ماده ۳۲ قانون مورد بحث در این باره مقرر کرده است: «قوه قضائیه مکلف است برای رسیدگی به تخلفات و جرایم ناشی از اجراء این قانون و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ شعب خاصی را تعیین کند. این شعب منحصرأ به دعاوی و شکایات مربوط به این دو قانون رسیدگی می‌نماید.» بنابراین با ایجاد این دادگاه تخصصی، فقط همین شعب از دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به این گونه جرایم را دارند و از سوی دیگر بر اساس اصل کلی قانونی بودن ایجاد دادگاه‌ها، مقنن از این شعب خاص صلاحیت عام را برداشته است و این شعب از دادگاه عمومی فقط می‌توانند به دعاوی ناشی از دو قانون مذکور رسیدگی کنند. بنابراین مقنن با تصویب این قانون، به منظور دقت بیش تر و رسیدگی سریعتر و بی‌دغدغه به موضوعات تخصصی، این دادگاه تخصصی را از رسیدگی به سایر جرایم منع کرده است.

ب. دادسرا و دادگاه رسیدگی کننده به جرایم رایانه‌ای

در قانون جرایم رایانه‌ای با توجه به فنی بودن جرایم در ارتباط با رایانه یا ناشی از آن، شعبی از دادگاه‌های موجود را به جرایم رایانه‌ای اختصاص داده است. ماده ۳۰ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدید نظر را برای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای اختصاص دهد.» رایانه وسیله‌ای برای ارتکاب جرم است و برخی از جرایم اقتصادی نیز توسط رایانه انجام شده و می‌تواند در ذیل جرایم رایانه‌ای قرار گیرد؛ مانند، شرکت‌های هرمی که در ارتباط با این نوع جرایم اقتصادی دادرسی جرایم رایانه‌ای نیز صالح می‌باشد.

ج. مجتمع ویژه جرایم اقتصادی

تشکیل چنین مجتمعی در راستای تخصصی کردن دادگاه‌ها جهت رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی است. به طوری که نفس ایجاد مجتمع‌های ویژه جرایم اقتصادی در جهت تخصصی شدن رسیدگی به این دسته از جرایم نشانگر اهمیت ویژه دستگاه قضایی به مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی است. پرونده‌های مورد رسیدگی در این مجتمع عبارت از جرایم اقتصادی کلان با حدنصاب ده میلیارد ریال و بیش تر از آن می‌باشد که توسط کارکنان دولت یا به کمک آنان از اموال عمومی یا دولتی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه این مجتمع، خاص جرایم اقتصادی است و مراحل مختلف رسیدگی به پرونده در آن انجام می‌گیرد، می‌تواند موجب تسریع رسیدگی گردد زیرا صرف رسیدگی به این

نوع جرایم مانع رسیدگی به جرایم دیگر شده و مانع تراکم پرونده‌های مختلف می‌گردد.

۱-۳- تبصره ۴ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۸۵/۳/۲۴

تبصره ۳ الحاقی به این ماده در مورد جرایم اقتصادی می‌باشد که اشاره به انتشار اسامی محکومین اقتصادی دارد، تبصره ۴ در امتداد تبصره قبل مقرر می‌دارد: «مرجع تجدید نظر موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید در صورت تأخیر بدون عذر موجه قضاات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند.» تعیین ضرب الاجل شش ماهه برای مرجع تجدید نظر حاکی از توجه به اصل سرعت در رسیدگی‌هاست. اهمیت این مسأله تا آن جایی است که قسمت انتهایی تبصره برای قضاتی که بدون عذر موجه در روند رسیدگی تأخیر ایجاد می‌کنند، مجازات انتظامی در نظر گرفته است. علاوه بر این، تبصره ۵ نیز اشعار می‌دارد: «هر یک از مقامات قضایی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی^۱ محکوم خواهد شد.»

۱-۲- قطعیت در رسیدگی

منظور از قطعیت در رسیدگی این است که رسیدگی به پرونده در دادسرا یا دادگاه به دلایل مختلفی متوقف یا خارج نشود. مسأله اطاله دادرسی از موضوعات مهمی است که امروزه بر راه‌های مقابله و پیشگیری از آن تأکید می‌گردد. عدم رعایت اصل قطعیت می‌تواند زمینه ساز اطاله دادرسی و همچنین بی‌اعتمادی و بدبینی مردم را نسبت به دستگاه قضایی فراهم آورد. از جمله مواردی که می‌تواند در امور شکلی مانع قطعیت رسیدگی شود، شمول مرور زمان نسبت به جرم خاصی است. در این راستا هیأت عمومی دیوان عالی کشور طی رأی وحدت رویه شماره ۶۶۷ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۴ پاره‌ای از جرایم مهم که می‌توانند در زمره جرایم اقتصادی باشند، مانند ارتشاء و کلاهبرداری را از شمول مرور زمان خارج دانسته است.

در زمینه رعایت اصل قطعیت وجود نیروهای سالم و آموزش دیده در دستگاه قضایی از اهمیت خاصی برخوردار هستند. متأسفانه یکی از معضلاتی که در کشورهای مختلف جهان وجود دارد، فساد در بخش قضائی است، به طوری که شبکه‌های بزرگ بزهکاران اقتصادی با نفوذ در مسئولین مربوطه مانع تداوم رسیدگی می‌گردند، این امر به نحو آشکاری در تعارض با اصل قطعیت در رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی است. امروزه شاید این اصل بیش‌تر از اصول شدت و سرعت در رسیدگی به پرونده‌های جرایم اقتصادی مورد توجه باشد، زیرا آنچه در نزد

۱. «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

رسانه‌ها و افکار عمومی بیش‌تر به چشم می‌آید به نتیجه رسیدن پرونده‌هایی از نوع جرایم اقتصادی است تا اینکه حتماً برخورد شدید صورت گیرد و یا در حداقل زمان پرونده به پایان برسد.

۳. سایر جلوه‌های شکلی حسابگری کیفری (اصل شدت)

در گفتار اول به دو اصل مهم در تئوری حسابگری کیفری پرداختیم. در این گفتار به سایر جلوه‌های شکلی ۱ که در قانون کیفری ما بیانگر حسابگری کیفری است اشاره خواهیم کرد. آن چه بیش‌تر در موضوعات آتی به چشم می‌خورد برخورد سختگیرانه در قبال جرایم اقتصادی است. به علت اهمیت این موارد بر آن شدیم تا آن‌ها را در یک گفتار مستقل و جدا بیان داریم. مواردی چون لزوم بازداشت موقت، انتشار اسامی محکومین جرایم اقتصادی و... از این قبیل است. قبل از ورود به بحث ذکر این نکته لازم است که وجود اصول سرعت و قطعیت و حتی تخصصی بودن رسیدگی‌ها خود بر اصل شدت تأکید دارد، زیرا با وجود آن‌ها مسیر فرآیند رسیدگی به پرونده‌های کیفری هموارتر شده و این برای بزهکاران اقتصادی سختگیرانه است. باید خاطر نشان ساخت که برخی از جلوه‌ها با جرایم دیگر مشترک می‌باشد، به عبارت دیگر، مصادیق اصل شدت ممکن است در مورد سایر جرایم نیز وجود داشته باشد. با توجه به اینکه هدف ما بررسی میزان حسابگری کیفری در جرایم اقتصادی است به این موارد مشترک نیز می‌پردازیم.

۱- ۳- اصل قانونی بودن تعقیب

در اجرای اصل قانونی بودن تعقیب، دادسرا مکلف به تعقیب کلیه رفتارهای مجرمانه است که به نحوی از وقوع آن‌ها مطلع می‌گردد (آشوری، ۱۳۸۹: ۲۰۹). در واقع «اگر عمل ارتكابی شرایط مندرج در قانون جزا را داشته باشد، دادسرا مکلف به تعقیب خواهد بود» (آخوندی، ۱۳۷۶: ۱۶۶). در این رویکرد دادستان از اختیارات محدودی برخوردار بوده و با کشف بزهکاری مکلف است فرآیند دعوی کیفری را آغاز کند (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۷). مقنن ایرانی بعد از انقلاب در مورد روش تعقیب متهم، به نظام قانونی بودن تعقیب توجه داشته و در ماده دو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ کلیه جرایم را دارای جنبه الهی عنوان نموده است و همچنین بند «الف» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب با بیان اینکه دادسرا عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود الهی است، به اصل قانونی بودن تعقیب نظر داشته است. اصل قانونی بودن تعقیب نشانگر شدت عمل قانونگذار در برخورد با جرایم است. این اصل در مورد جرایم اقتصادی نیز صدق می‌کند، به عبارتی هرگاه کسی مرتکب جرم اقتصادی شد، دادسرا مکلف به تعقیب او است و امیدی برای بزهکار وجود ندارد که به موجب «قاعده اقتضای تعقیب» (Opportunity of pursuit) از تعقیب او صرف نظر شود.

۱. این جلوه‌ها را می‌توان در ذیل اصل شدت در فرآیند دادرسی قرار داد، با توجه به اهمیت این اصل در قبال جرایم اقتصادی که در قانون ما وجود دارد و نیز مصادیق زیاد آن، این اصل را در یک گفتار مجزا مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۳. لزوم بازداشت موقت

در نظام حقوقی ایران، صرف نظر از مواردی که مقنن به منظور جلوگیری از اختلال در روند تحقیقات، ممانعت از تبانی متهم با دیگران و اطمینان از دسترسی به متهم در مراحل بعدی تحقیق و رسیدگی، صدور قرار بازداشت موقت را تجویز نموده است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۰۷)، در جرایمی مانند ارتشاء و اختلاس از این فراتر رفته و صدور قرار بازداشت موقت را تحت شرایطی اجباری نموده است. در بندهای الف، ب و ج ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری صدور این نوع قرار در مورد محاربه و فساد فی الارض (مصادیقی از جرم اقتصادی که تغییر عنوان داده است)، جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها اعدام یا حبس ابد باشد (مصادیقی از جرایم اقتصادی که عنوان محاربه و فساد فی الارض پیدا می‌کنند مستوجب اعدام می‌شوند و به علاوه مجازات برخی از این جرایم نیز حبس ابد است) و...

همچنین بر اساس بند ط ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، هرگاه در جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرایم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بسر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد مرجع صادرکننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم می‌شد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تأمین صادر شده و وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مذکور قرار ابقاء می‌شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید. چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود. به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید. در مورد برخی از مصادیق جرایم اقتصادی که مستلزم مجازات حبس ابد و در صلاحیت دادگاه کیفری استان است مدت بازداشت موقت ۴ ماه و قابل تمدید به همین میزان است. همان طوری که بیان شد، صدور قرار بازداشت موقت به ویژه اجباری در مورد بسیاری از جرایم اقتصادی با توجه به نوع جرم و یا میزان مجازات آن‌ها امکان پذیر است.

۳-۳. انتشار اسامی محکومین

جنبه اصلاحی کیفر سبب می‌شود تا مرتکب پس از اتمام دوره محکومیت بی دغدغه و حتی به طور ناشناس وارد جامعه شده و به زندگی عادی خود مشغول شود. ناشناس ماندن به گونه ای یک حق محسوب می‌گردد تا شخص از نظر اجتماعی خوار و انگشت نما نگردد و بتواند جایگاه اجتماعی خود را بازیابد. ولی نسبت به جرایم اقتصادی رویکرد متفاوت است؛ به گونه ای که سیاست کیفری متضمن معرفی این افراد به جامعه است. معرفی این افراد سبب می‌شود تا دست کم موقعیت ارتکاب مجدد اقتصادی از سوی چنین افرادی کم رنگ شود. انتشار اسامی

محکومین همچنین سبب شناخته شدن آن‌ها می‌گردد که در واقع نوعی ارباب عمومی نیز به شمار می‌رود.

یکی از جلوه‌های سیاست سختگیرانه سیاست کیفری ایران در برخورد با بزهداران اقتصادی، انتشار اسامی محکومین است. این رویکرد با تصویب قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلابی در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵ برای نخستین بار به صراحت در حقوق کیفری ایران پذیرفته شده است. بر اساس این قانون «در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی، خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتکابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود مشروط بر آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتکابی یکصد میلیون ریال یا بیش تر از آن باشد.»

موضوع انتشار اسامی محکومین در ماده ۱۷ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱ و ماده ۱۰ مسئولیت مدنی هر دو مصوب ۱۳۳۹، نیز وجود دارد. شدت عمل و سختگیری سیاست کیفری ایران در برخورد با بزهداران اقتصادی، از پیش بینی اعلام و انتشار اسامی محکومین این جرایم و سایر تدابیر کیفری، مشهود است.

۳-۴. تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت

اصل براءت مبتنی بر حفظ امنیت و کرامت انسان است و بر اساس آن شخص، بی‌گناه فرض می‌شود مگر اینکه گناهکاری اش ثابت شود (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۱۴-۳۱۳). طبق اصل ۳۷ قانون اساسی ایران، اصل براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. زیرا «حق شخص بی‌گناه به محکوم نشدن یکی از حقوق اساسی بشری وی به شمار می‌رود.»

فرض بی‌گناهی بدین معنی است که مجموعه اجزای یک نظام قضائی، اداری و اجتماعی جهت حاکمیت بخشیدن به اصل مصونیت افراد از هر نوع تعرضی در امان باشند، در چنین فرضی است که روح حاکم بر جهت‌گیری‌ها و عملکردهای واقعی اجزای یک سیستم اجتماعی و

۱. «هرگاه منافع عمومی و با منافع مدعی خصوصی ایجاب نماید دادگاه صادرکننده حکم دستور حکم انتشار حکم را پس از قطعیت هزینه محکوم علیه صادر می‌نماید. هرگاه منافع عمومی یا منافع متهمی که براءت حاصل کرده است ایجاب نماید دادگاه دستور انتشار حکم براءت را پس از قطعیت ذینفع و یا متقاضی به هزینه اعلام کننده جرم صادر می‌نماید.»

حقوقی، عنایت بخشیدن به فرض بی گناهی مظنون یا متهم است مگر آنکه یک حکم قطعی و لازم الاجرائی که بر اساس ضوابط دقیق قانونی علیه فرد صادر شده است جایگزین اصل برائت گردد (Ashworth, 1998: 57).

در جرایم اقتصادی «از نظر مبنایی، علت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است، زیرا اصل برائت کیفری در مواردی که شخص مظنون به ارتکاب جرمی است، مبتنی بر استصحاب عدم ارتکاب جرم و برائت سابق است. مثال در مورد درآمدهای مشکوک، قاضی پرونده نسبت به برائت سابق متهم شک می کند که در نتیجه با جریان استصحاب برائت سابق بی گناهی وی استمرار می یابد. حال در صورتی که درآمدهای یاد شده و اوضاع و احوال موجود در روابط و ارتباطات متهم با مجرمان و به ویژه مرتکبان جرایم سازمان یافته یا هر شخص دیگری که می تواند به نوعی درآمدهای نامشروع را نصیب وی سازد، موجب ظن بسیار قوی یا اطمینان قاضی نسبت به نامشروع بودن این اموال و درآمدها گردد، دیگر استصحاب از جایگاهی برخوردار نبوده و این اماره که در حکم دلیل است بر اصل برائت ناشی از استصحاب مقدم خواهد بود» (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۹۶).

گرچه «تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت» در حقوق داخلی ایران به صورت مبنایی پذیرفته نشده است، اما قانونگذار در این زمینه گاه افراط و گاه تفریط را در پیش گرفته است. بدین معنی که مقرراتی در حقوق داخلی کشورمان حاکی از حاکمیت مطلق اماره مجرمیت و مخدوش شدن اصل برائت است، در مقابل قانونگذار در برخی مقررات به وضوح اصل را بر مشروعیت دارایی اشخاص و صحت معاملات قرار داده است. به عنوان نمونه، در ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی اصل را بر صحت معاملات قرار داده است که این رویه اتخاذ شده توسط قانونگذار با توجه به پیچیدگی جرایم اقتصادی و شخصیت ویژه بزهکاران اقتصادی (قدرت بالای سازگاری با جامعه) و قضاوت مناسب جامعه درباره آن‌ها پایانی جز عدم کشف بسیاری از جرایم اقتصادی و در نتیجه تشویق بزهکاران بالقوه و ترغیب بزهکاران مکرر و نهایتاً اختلال در سیستم اقتصادی کشور نخواهد داشت (توسلی زاده، پیشین: ۲۴۹-۲۴۸).

در قانون کیفری ایران وجود برخی ابزار و اسباب موجب آن می گردد که بزهکاران در ارتکاب اعمال مجرمانه خویش به حسابگری بپردازند. در قلمرو جرایم اقتصادی قانونگذار و دستگاه قضائی بیش تر به مقوله شدت و سختگیری در روند دادرسی توجه داشته است، پیش بینی قرار بازداشت موقت اجباری، انتشار اسامی محکومین اقتصادی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در برخی موارد نشانگر شدت عمل قانونگذار است. با این وجود سوالی که ممکن است در اذهان به وجود آید این است که آیا پیش بینی ضمانت اجرای سنگین در امور شکلی موجب کاهش ارتکاب جرایم اقتصادی بوده است؟ پیش از پاسخ دادن به این پرسش لازم به یادآوری

است که خود طرفداران حسابگری کیفری نیز به این نتیجه رسیده اند که رفتار سختگیرانه به تنهایی در فرآیند دادرسی مانع مستحکمی برای ارتکاب جرم نیست.

متأسفانه توجه بسیار زیاد قانونگذار به قرارهای سنگین و سایر ضمانات اجراها باعث کاهش جرایم اقتصادی نشده است و حتی امروزه شاهد افزایش جرایم اقتصادی کلان پایین کشف آن‌ها، عدم ثبات در اعمال ضمانت اجراها برای مرتکبان این جرایم است، به در جامعه می‌باشیم. یکی از دلایل این مسأله در کنار پنهانی بودن این جرایم و میزان عبارت دیگر حتمیت و قطعیت در روند دادرسی به خوبی رعایت نمی‌گردد. به نظر می‌رسد که ترکیب سه اصل نامبرده در کنار هم از یک سو و اعمال سیاست جنایی مناسب با رویکردی پیشگیرانه و مشارکت دادن مردم در امر پیشگیری و همچنین رفع مشکلات مادی و حتی معنوی مسئولان قضائی از سوی دیگر، بتواند تا حد زیادی راهگشای مناسبی در کاهش جرایم اقتصادی باشد.

یکی از ابزارهای لازم جهت اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در واکنش علیه جرایم اقتصادی، وجود دادرسی خاص و دادگاه‌های تخصصی می‌باشد. «آیین دادرسی کیفری مجموعه قواعد و مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهمان و تحقیق از آنان، تعیین مراجع صلاحیت دار، طرق شکایت از احکام و نیز بیان تکالیف مسئولان قضایی و انتظامی در طول رسیدگی به دعوای کیفری و اجرای احکام از یک سو و حقوق و آزادی‌های متهم از سوی دیگر، وضع و تدوین شده است».

جرایم اقتصادی دارای تشریفات و صلاحیت رسیدگی می‌باشند که در برخی موارد مخصوص این نوع جرایم است. وجود مجتمع قضایی ویژه جرایم اقتصادی، هیأت‌های رسیدگی کننده به جرایم اقتصادی و نیز نظارت الکترونیکی و دام گستره از این نوع می‌باشد.

در حسابگری کیفری سه اصل شدت، حتمیت و سرعت از اهمیت بالایی برخوردار بوده و بایستی در قلمرو شکلی و در راه پیشگیری از جرایم اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد. وجود دادگاه انقلاب در امر رسیدگی به برخی از جرایم اقتصادی، تخصصی شدن رسیدگی به این جرایم بیانگر توجه به اصل سرعت در رسیدگی‌ها است. همچنین قانونی بودن تعقیب، لزوم بازداشت موقت، انتشار اسامی محکومین اقتصادی و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت بیانگر توجه به اصل شدت می‌باشد.

نتیجه گیری

با مطالعه عقاید بنیانگذاران و طرفداران نظریه حسابگری کیفری می‌توان چنین بیان داشت که؛ ابتدا، بزهکار فردی مختار است. دوم، به دنبال مطلوبیت و منفعت است. یک نوع رابطه تنگاتنگی بین این دو وجود دارد که هر بزهکار مختاری مطلوبیت را می‌خواهد و نیز هر بزهکار

مطلوبیت خواهی مختار می‌باشد. به دلیل وجود چنین اختیاری حسابداری کیفی می‌گوید؛ با توجه به این که بزهدکار مختار است، پس عواقب رفتار خویش را نیز می‌داند، در نتیجه باید پاسخگوی رفتار خویش باشد. بدین منظور سه اصل را سرلوحه خویش قرار می‌دهد: شدت، حتمیت و سرعت.

این اصول بیانگر واکنش سخت جامعه نسبت به بزهدکاری است که با اختیار و با اراده مرتکب جرم شده است و در این بین اصل شدت مجازات‌هایی چون اعدام، حبس ابد و شلاق را توجیه می‌نماید. اصل حتمیت (قطعیت) مخالف نهادهایی همچون، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و عفو است. در جوامع کنونی نیز ما شاهد برخوردهای سختگیرانه نسبت به بزهدکاران، بخصوص بزهدکاران سازمان یافته می‌باشیم که این امر از ویژگی‌های جوامع مدرن و به تبع تعارض میان آزادی و امنیت می‌باشد.

جرایم اقتصادی بیش‌ترین اثر را در مخدوش کردن سلامت اقتصادی و اداری جامعه دارد. جرایم اقتصادی همانند ویروس حامل بیماری عمل می‌کنند. به این صورت که وقتی ویروس ناقل بیماری وارد سیستم بدن شود کم‌کم توان و قدرت تحرک انسان را می‌گیرد. جرایم اقتصادی و وضعیت اجتماع را نیز می‌توان دقیقاً به همین صورت شبیه‌سازی کرد. چون وقتی این نوع از جرایم توسط افراد با نفوذ و صاحب منصب انجام گیرد موجب گسترش ارتکاب جرایمی چون، ارتشاء و سوء استفاده از موقعیت شغلی و اجتماعی می‌گردد. با این توضیح دیگر جایی برای اعمال قانون و قانون‌مداری نمی‌ماند. توجه به اصل سرعت و تا حدی حتمیت در مراحل دادرسی، تعیین و اجرای مجازات‌ها طبق این نظریه می‌تواند قدمی در ارباب و پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی بردارد. اما شکی ویژه پیشگیری کیفی از این جرایم را معین نماید. جرایم اقتصادی هم از جهت کشف و هم تعقیب و در نهایت انتساب آن به مرتکب با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی همراه است. پیش‌بینی رسیدگی کیفی افتراقی که برخی از جلوه‌های آن را در حقوق ایران می‌توان دید، می‌تواند عاملی بسیار مهم برای ارباب همگانی به شیوه سختگیرانه باشد.

منابع:

- آخوندی، محمود (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری / کاربرد، جلد پنجم، چاپ اول.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سمت)، چاپ ششم.
- آخوندی، محمود (۱۳۷۶). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم.
- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم.
- آشوری، محمد (۱۳۸۴). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، در: علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۶). جرم اقتصادی و کنترل آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۱.
- باقرزاده، احد (۱۳۸۰). نقش شوراهای اسلامی و مدیریت شهری در کاهش تخلفات اقتصادی، مجله ترجمان حسبه، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده سازمان تعزیرات حکومتی، سال دوم.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۹). رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه‌ی محمد علی اردبیلی، انتشارات میزان، چاپ ششم.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ریسک مدار، انتشارات میزان، چاپ اول.
- توسلی زاده، توران (۱۳۹۰). پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل متحد، رساله ی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی.
- تولیت، سید عباس، صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی (قوه قضائیه)، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۹، انتشارات دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری.
- جلیلی مقدم، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی سودگرایی بنّام، مجله معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۹.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۹). فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، انتشارات بهرامی.
- خالقی، علی (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهردانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۷). سیستم قانونی بودن و سیستم موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب کیفری، در: خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)، کتابخانه گنج دانش.
- درخشان، محمدرضا (۱۳۸۷). اصل تسریع در رسیدگی کیفری در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸). دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران، دری نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، انتشارات میزان.
- شاملو، باقر (۱۳۸۳). اصل براءت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، در: علوم جنایی، نکوداشت دکتر آشوری، انتشارات سمت.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳). اصل براءت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، مجموعه علوم جنایی، انتشارات سمت.
- عبادی، محمد اسماعیل، علل اطاله دادرسی، ماهنامه قضاوت، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، شماره ۳۹.
- قرشی، سید مجتبی (۱۳۸۶). صلاحیت‌های قانونی دادگاه‌های انقلاب اسلامی، انتشارات مدین.

گلدوست جویباری (۱۳۸۶). رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل.
 گمرک جمهوری اسلامی ایران، «تأملی بر قاچاق کالا و مواد مخدر»، گزارش شماره ۱۴۹.
 مهدوی پور، اعظم (۱۳۸۹). افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرایم اقتصادی، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی.
 میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۵). پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام، رساله دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 میرزایی مفرد، غلامعلی (۱۳۸۹) حقوق کیفری بازار اوراق بهادار، انتشارات میزان.
 نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
 یزدی نظری نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳). سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

Ashworth, Andrew; the Criminal Process: An Evaluative Study; Second Edition, Oxford University Press, 1998

Dworkin, Gerald, Philosophy of Law, edited: Feinberg and Goleman, wads Worth, 6 Editions. 2000

Enrique Bacigaloupe, The Use of Technical Means in International and Surveillance of Private Communication, Towards an European Criminal Law against Organized Crimes, Vincenzo Milltello, Freiburg 2001